



An Analysis of the Characteristics of Qom Hadith School in Reciting Mahdavi Narratives Until the Time of Sadouq¹

Moslem Kamyab¹ 

1. Assistant Professor, Department of Current Studies, Research Center for Mahdiyyism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom. Iran.
m.kamyab@isca.ac.ir

Abstract

Qom Hadith School, as one of the most powerful schools of Imamiya, has been the focus of scholars for a long time. Studies in the field of Mahdism in this school are faced with shortcomings. Lack of a "school-oriented" approach, "lack of examination of the hadith characteristics of that era" about Mahdavi hadiths are among these shortcomings. Therefore, this article through a "descriptive-analytical" approach is trying to deal with this gap in studies before the era of Sadouq. Transferring the Mahdavi heritage of Ahl al-Bayt from other schools such as Kufa, by the resident and immigrating muhaddiths (scholars of hadiths) to Qom, is considered one of the most important features of this school. Strong adherence to texts and avoiding rationalism, confronting the transmission of exaggerated narratives, partial compliance with the inclusion of rare narratives in their hadith sources, dealing with weak narrators at a certain point in time by some of the elders of the Qom school are other privileges

1. **Cite This Article:** An Analysis of the Characteristics of Qom Hadith School in Reciting Mahdavi Narratives Until the Time of Sadouq. *Journal of Mahdavi Society*, 4(8), pp. 83-110.
<https://doi.org/10.22081/JM.2024.68504.1089>.

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Scientific-promotional Article

▣ **Received:** 05/01/2024 • **Revised:** 22/02/2024 • **Accepted:** 27/02/2024 • **Published online:** 06/03/2024

of this school. Being concerned about the current issues of the society regarding beliefs, especially the issue of Mahdism and the explanation of the narratives that are appropriate for its time, is another characteristic of the school of that era.

Keywords

Mahdism, Qom Hadith school, characteristic studies, heritage, Sadouq era, avoiding exaggeration, textualism.

تحلیل شاخصه‌های مدرسه حدیثی قم در نقل روایات

مهدوی تا قبل از دوران صدوق^۱

مسلم کامیاب^۱

۱. استادیار، گروه جریان‌شناسی، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران.

m.kamyab@isca.ac.ir



چکیده

مدرسه حدیثی قم، به عنوان یکی از مدارس پر قدرت امامیه، از دیرباز مورد اهتمام و دقت اندیش‌وران بوده است. کاوش‌ها در زمینه مهدویت در این مدرسه، با کاستی‌هایی مواجه است. نبود نگاه «مدرسه‌محور»، «عدم بررسی شاخصه‌های حدیثی آن دوران» به احادیث مهدوی از جمله این کاستی‌هاست؛ از این رو این جستار با رویکرد «توصیفی - تحلیلی» در تلاش است به این خلاء مطالعاتی تا قبل از دوران صدوق بپردازد. نقل میراث مهدوی اهل بیت علیهم‌السلام از مدارس دیگر مانند کوفه، توسط محدثان مقیم و مهاجر به قم از مهمترین ویژگی این مدرسه قلمداد می‌شود. تعلق خاطر شدید به نصوص و دوری از عقل‌گرایی، مقابله با نقل روایات غلو، رعایت نسبی از عدم درج روایات شاذ در منابع حدیثی خود، برخورد با راویان ضعیف در برهه‌ای از زمان توسط برخی از بزرگان مکتب قم از دیگر امتیازات این مدرسه است. دغدغه‌مندی نسبت به مسائل روز جامعه در حوزه اعتقادات به ویژه موضوع مهدویت و تبیین روایات متناسب با زمانه خود، یکی دیگر از شاخصه‌های مدرسه آن دوران است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، مدرسه حدیثی قم، شاخصه‌شناسی، میراث‌داری، دوران صدوق، پرهیز از غلو، نص‌گرایی.

۱. **استناد به این مقاله:** کامیاب، مسلم. (۱۴۰۲). تحلیل شاخصه‌های مدرسه حدیثی قم در نقل روایات مهدوی تا قبل از دوران صدوق. جامعه مهدوی، ۴(۸)، صص ۸۳-۱۱۰. <https://doi.org/10.22081/JM.2024.68504.1089>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

مقدمه

شناخت و تحلیل مدارس حدیثی شیعه یکی از مباحث مهم و ضروری در موضوعات مربوط به علم حدیث، تاریخ و رجال می‌باشد. مدرسه حدیثی قم با داشتن ویژگی‌هایی از دیگر مدارس حدیثی شیعه، همچون: مدرسه مدینه، کوفه، بغداد، و خراسان متمایز است.

در دوران مدرسه قم یکی از آموزه‌هایی که مورد توجه بوده است مسئله مهدویت است. این آموزه گرچه با یکی از اصول شیعه یعنی امامت ارتباط تنگاتنگی دارد، اما به نظر می‌رسد با توجه به تنوع موضوع و مسائل آن، از دایره گسترده‌تری برخوردار بوده است. وجود انبوهی از منابع مهدوی در آن دوران مانند غیبت نگاری‌ها (نجاشی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۶۱ و ۳۱۹)؛ کتاب‌های ملاحم (نجاشی، ۱۴۱۱ق، صص ۳۴۸)؛ یا تک‌نگاری‌های مهدوی مانند کتاب «ما یفعل الناس حین یفقدون الإمام» نوشته احمد بن ابی زاهر از مشایخ محمد بن یحیی (نجاشی، ۱۴۱۱ق، صص ۸۸) یا «التوقیعات» عبدالله بن جعفر حمیری (نجاشی، ۱۴۱۱ق، صص ۳۱۹) گواه بر این مطلب است. علاوه بر آن در لابه لای متون تفسیری، فقهی و جوامع حدیثی روایات مهدوی به چشم می‌آید؛ از این رو لازم است این مدرسه در موضوع مهدویت مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

سخن در باب مهدویت در این مدرسه با گستردگی‌هایی روبرو است مانند: تحلیل روایان و محدثان مدرسه قم، تحلیل محتوایی آموزه‌های مهدوی، تمایزشناسی روایات این مدرسه با سایر مدارس. اما یکی از موضوعاتی که می‌تواند در این جستار مورد پرسش قرار گیرد این است که، محدثان قم در انتخاب و درج احادیث در منابع خود، نسبت به آموزه مهدویت از معیار خاص بهره می‌بردند یا خیر؟ نسبت این معیارها چیست؟ در تمام برهه‌ها معیارهایی وجود داشته است یا تنها در دوران خاص؟ از این رو با پاسخ به این سنخ سوالات می‌توان شاخصه‌های حدیثی این مدرسه نسبت به موضوع مهدویت را به دست آورد.

۱. پیشینه پژوهش

در زمینه شاخصه‌های مهدویت در مدرسه قم پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما

برخی آثار مرتبط با این موضوع به سامان رسیده است. استاد سیدمحمد کاظم طباطبائی در کتاب تاریخ حدیث شیعه (۲) به ویژگی‌های کلی مدرسه قم مانند: میراث‌داری، نص‌گرایی و پرهیز از عقل‌گرایی اشاره کرده‌اند اما مستندات از مهدویت ارائه نشده است (طباطبائی، ۱۳۸۹). در این نوشتار ضمن بهره‌مندی از آن اثر، به مصادیق و تحلیل‌هایی جزئی‌تر اشاره شده است.

نوشته دیگر، کتاب شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری نوشته محمدرضا جباری است. وی در این کتاب به جایگاه و اهمیت قم و امتیازات قمیان و مکتب حدیثی قم پرداخته است. از نتایج تلاش ایشان ضمن معرفی وضعیت محدثان قم، به اثبات مرجعیت علمی حوزه قم اشاره دارد. در ادامه به اثبات حساسیت شدید محدثان قم در قلمرو حدیث و مخالفت آنان با نقل‌اخبار ضعیف و غلوآمیز، پرداخته است (جباری، ۱۳۸۴).

کتاب جستارهایی در مدرسه کلامی قم زیر نظر محمدتقی سبحانی حاوی مجموعه مقالاتی است که در آن به شناساندن برخی از شخصیت‌های حدیثی قم مانند: عبدالله بن جعفر حمیری، سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن حسن صفار و علی بن ابراهیم بن هاشم اشاره کرده و در ادامه به معرفی استادان، شاگردان و آثار آنان پرداخته است؛ اما با رویکرد خاص مهدوی بدان‌ها توجه نشده است (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۵، صص ۲۷۶-۳۴۶).

۲. مفاهیم و کلیات

در آغاز کلام، مفاهیم کلیدی موضوع پژوهش، که تعریف روشنی از آنان نشده، مورد بررسی و شناسایی قرار می‌گیرد.

۲-۱. شاخصه

شاخصه از واژه شاخص به معنای برجسته و ممتاز آمده است (معین، ذیل واژه شاخص). منظور از شاخصه‌ها، معیارهایی هستند که به وسیله آن‌ها می‌توان کمیت، کیفیت و یا سقوط یک موضوع را اندازه‌گیری کرد.

از این رو در این پژوهش درصدد بررسی وجه تمایز مدرسه قم با سایر مدارس حدیثی در موضوع مهدویت هستیم.

۲-۲. مدرسه حدیثی قم

«مدرسه» از ریشه درس در لغت، به معنای جایگاه و مکان تعلیم و نوشتن است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۹۲). وقتی واژه «مدرسه» با «حدیث» جمع شود، جهت حدیثی و روایی پیدا می‌کنند. مدرسه حدیثی، به مجموعه‌ای از عالمان و دانشمندان در یک رشته علمی معین اطلاق می‌شود که در تعامل با یک دیگر و بر محور یک محیط جغرافیایی محدود، به تولید محصولات نوین علمی دست می‌زنند (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۲).

مترادف فارسی مدرسه، مکتب به معنای مکان نگارش و آموزش علم به کار رفته است.^۱ برخی در تعریفی به مجموعه افکار و آرای علمی منسجم و نظام‌مند که متعلق به یکی از صاحب نظران یا گروهی از همفکران است مکتب گویند (ضیائی‌فر، ۱۳۸۵، ص ۵). با مهاجرت اشعری‌ها به قم و حضور فرزندان عبدالله بن سعد اشعری و دیگر اشعریان در زمره اصحاب و راویان اهل بیت علیهم‌السلام (برقی، ۱۳۴۲، ص ۲۸). مدرسه‌ای به‌طور عمده با یک رشته علمی مشخص با رویکرد حدیث‌گرایی شکل گرفت.

اشتهار قم، به‌عنوان مرکزی قوی برای تشیع و وجود محدثان و دانشمندان زبردست در فن حدیث و دیگر علوم اسلامی در این حوزه بزرگ حدیثی موجب آن شده بود که محدثان و دانشمندان دیگر شیعی به دیدی مثبت نسبت به این شهر و جایگاه علمی آن بنگرند و از این رو روابط خوب علمی و دینی بین آنان و قم برقرار بود. بررسی کلی درباره فعالیت این حوزه حدیثی حکایت از ثمرات مبارک علمی و حدیثی در عالم تشیع دارد؛ تبحر در حدیث (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۰)؛ مرجعیت علمی راویان قم؛ انتقال احادیث به دیگر مدارس؛ توثیق قمی‌ها توسط رجال‌شناسان (نجاشی، ۱۴۰۷ق، صص ۸۳، ۱۲۳،

۱. واژه مکتب، هم به معنای مصدر میمی یعنی کتابت و نوشتن به کار می‌رود، هم به معنای اسم زمان، یعنی زمان نوشتن و هم به معنای اسم مکان (مکان نوشتن). اما در زبان عربی و فارسی، مکتب بیشتر به معنای اسم مکان یعنی مکان نگارش و آموزش علم به کار رفته است.

۳۳۸ و ۴۴۷) و تألیف کتب (واسطی بغدادی، ۱۳۶۴، ص ۳۹؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۴۹) از جمله آن برکات است.

این حوزه حدیثی در دو قرن سوم و چهارم اوج دوران نشاط و تحرک خود را پشت سر نهاد و سرانجام با فعالیت‌های شیخ مفید (م ۴۱۳ق) و سید مرتضی (م ۴۳۶ق) و دیگر عقل‌گرایان مدرسه بغداد، در پایان قرن چهارم کم فروغ گردید و مدرسه بغداد محوریت را بدست گرفت (رک: جباری، ۱۳۸۴، صص ۹۷-۱۱۴).

۲-۳. گزارش اجمالی از روایات مدرسه قم تا قبل از شیخ صدوق

در این نگارش ۳۵۸ روایت که گواه بر وجود آنان در مدرسه قم و گفتمان آنان است از منابع استخراج شده است؛ در انتخاب منابع از دو نوع منابع اصلی و واسطه‌ای استفاده شده است. منابع اصلی منابعی است که از ابتدای پیدایش مدرسه قم تا قبل از دوران صدوق به صورت مکتوب توسط قمی‌ها نگارش شده و الان موجود است که عبارتند از: محاسن احمد بن محمد بن خالد برقی، بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری، الکافی محمد بن یعقوب کلینی، الامامه و التبصره ابن بابویه قمی و کامل الزیارات ابن قولویه.

اما منابع واسطه‌ای منابعی است که، یا از دوران صدوق به بعد بوده یا از مدارس حدیثی دیگر است. احادیث این منابع با معیارهایی مانند قمی بودن مؤلف کتاب، وجود مؤلف مشهور قمی در اسناد، تکرار صاحب مصدر در اسناد متوالی، تعلیق سند و شروع آن به مصنف مشهور شمارش شده است (تفصیل آن رک: کامیاب، ۱۴۰۰، صص ۱۸-۲۵). این منابع شامل: کتاب الغیبه نعمانی، آثار شیخ صدوق (کمال‌الدین، من لایحضره الفقیه، علل الشرایع، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ثواب الاعمال) و الغیبه طوسی است.

۲-۴. گستره تحقیق

محدوده بررسی‌ها از ابتدای تشکیل مدرسه قم تا قبل از دوران صدوق (م ۳۸۱ق) است. صدوق با توجه به مسافرت‌های فراوان حجم قابل توجه‌ای از میراث خود را از

سایر مدارس گرفته است. به‌عنوان نمونه از مجموع ۶۲۱ روایت کتاب کمال‌الدین، حدود ۴۷۰ روایت او از مدارس دیگر است؛ بنابراین از اساس وی نمی‌تواند نماینده مدرسه قم باشد. البته با احراز قمی بودن احادیث منقول وی، بخشی از روایات این محدث مورد توجه بوده است. علاوه بر آن شیخ صدوق با حضور خود در مدرسه قم و ری، نقطه عطفی در حدیث امامیه ایجاد کرد که بررسی رویکرد این محدث بزرگ در اخذ، تبویب و نقل آن به دوران بعدی و نقاط اشتراک و افتراق وی با سایرین تحلیل جداگانه می‌طلبد.

۳. شاخصه‌شناسی روایات مهدوی در مدرسه قم

مجموع آنچه در حوزه حدیثی مهدویت قم مطرح بوده و از وجوه امتیاز آن با دیگر حوزه‌ها به شمار می‌آید در ۶ عنوان قابل بررسی است. لازم به ذکر است که طرح این شاخصه‌ها به‌عنوان ویژگی‌های موجود در مدرسه حدیثی قم، نه به‌معنای آنست که تمامی محدثان این حوزه و در تمامی دوران فعالیت خود تا قبل از صدوق ملتزم به این ویژگی‌ها بوده‌اند، بلکه بدین معناست که در برخی دوره‌ها این ویژگی‌ها به‌عنوان صفات برجسته و مورد اشاره محدثان این حوزه یا غالب آنان به‌شمار رفته است. گرچه در میان همین شاخصه‌ها نیز، برخی از آن‌ها همچون: نص‌گرایی از گستردگی زمانی و فردی بیشتری برخوردار بوده‌اند.

۳-۱. میراث‌داری

هجرت گروهی از راویان و محدثان حوزه‌های دیگر حدیثی به قم و مسافرت و رحله‌های حدیثی محدثان بزرگ قمی‌ها به سایر بلاد، موجب شد که مجموعه‌ای غنی و دراز دامن از نگاشته‌ها و گزارش‌های راویان مختلف در قم اجتماع کند. مهم‌ترین قسمت این مجموعه فراهم آمده از حوزه حدیثی کوفه بود (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۷). طبقه اول محدثان مهدوی قم دو دسته بوده‌اند؛ دسته اول، مهاجرین مانند: حسین بن سعید اهوازی و ابراهیم بن هاشم هستند که عمدتاً میراث کوفه را به قم انتقال دادند.

نزدیک به ۵۰ روایت مهدوی از این دو محدث در منابع حدیثی قم ثبت شده است. این روایات، میراث محدثانی مانند محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، حسن بن علی بن فضال، علی بن حکم و حماد بن عیسی بود که به قم منتقل گردید (کامیاب و طباطبائی، ۱۴۰۱). دسته دوم که اصالتی قمی داشتند، مانند: احمد بن محمد بن عیسی و سعد بن عبدالله اشعری با سفر به مناطق مختلف، روایات آن مناطق را به قم انتقال دادند. از این دو محدث قریب به ۹۶ روایت مهدوی از افراد غیر قمی مانند حسن بن محبوب، علی بن ابی نصر بزنطی، علی بن حکم، علی بن محمد رازی، یعقوب بن یزید، محمد بن حسین بن ابی خطاب و محمد بن صالح نقل در منابع ثبت شده است (کامیاب و طباطبائی، ۱۴۰۱).

این شاخصه در دوران بعدی همچنان ادامه داشت به گونه‌ای که افرادی مانند محمد بن یحیی میراث نواحی دیگر از جمله کوفه، بغداد، ری را بدان دیار انتقال دادند (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۵ و ۳۴۰؛ ج ۲، صص ۳۴۷، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۷۹ و ۵۰۹).

مدرسه قم با آنکه در دریافت و حفظ میراث اهل بیت نقش خود را به خوبی ایفا کرد، اما به مرور زمان بعد از شیخ صدوق کم فروغ گردید و این میراث به بغداد منتقل گردید. جالب آن که درست در زمانی که بغدادی‌های عقل‌گرا مانند: شیخ مفید با مبانی برخی قمی‌ها در ستیز بوده، اما بخشی از میراث حدیثی مهدوی قم را در منابع خود گزارش داده است.^۱

۲-۳. نص‌گرایی

مهم‌ترین ویژگی مدرسه حدیثی قم نص‌گرایی و اعتماد به متون نقلی است. آنان سعی می‌کردند تنها در محدوده نقلیات کاوش و جستجو کنند و از دخالت مستقل و جسورانه عقل در تحلیل و تأویل خبر پرهیزند (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۸). حتی در دوره‌ای کسانی که با رویکرد عقل‌گرایی پافراتر نهاده به شدت محکوم می‌شدند.

۱. نقل روایات قابل توجه از قمی‌ها، در الارشاد شیخ مفید گواه بر این است که مدرسه قم مورد توجه بغدادی‌ها قرار گرفته است.

به‌عنوان نمونه: یونس بن عبدالرحمن فقیه و متکلم دوران امام رضا علیه السلام که به اجتهادگرایی معروف بودند، مورد طعن برخی از قمی‌ها قرار گرفت و درباره او روایاتی تند با الفاظی دور از شان معصوم در ذم وی منتشر گردید (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۷۶).

کشی بعد از نقل برخی روایت ذم یونس می‌گوید: «هر بیننده‌ای به این روایاتی که اهل قم درباره یونس روایت کرده‌اند نگاه کند، تعجب می‌کند و می‌فهمد که آنها روایاتی نیست که عقل حکم به صحشتان کند» (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۷۷).

قمی‌ها علاوه بر نقل این دست روایات در عرصه کتابت از مواضع نص‌گرایی خود کوتاه نیامده و سعد بن عبدالله با تدوین کتاب مثالب هشام و یونس به انتقاد از این خط فکری پرداخت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۸).

با بررسی منابع مؤلفان اصیل و مورد پژوهش تا قبل از دوران صدوق، می‌توان دریافت کرد که رویکرد آن‌ها نقل‌گرایانه است و هیچ‌گونه مباحث عقلی یا شرح عقلی در ذیل روایات مهدویت انجام نگرفته است^۱ و اساساً مسئله کلامی‌ای مانند مهدویت از مستقلات عقلی بدور بوده و در نقل متبلور گردیده است. بعید نمی‌نماید با نگاه خوشبینانه، نقل برخی روایات مستبعد درباره یاران حضرت و اتفاقات عصر ظهور، منشا ترویج آن، همان رویکرد نص‌گرایی باشد.

همزمان با دوران مرحوم صدوق با وجود شبهات حول محور امامت و مهدویت، وی تنها در ابتدای کتاب مشهور خود کمال‌الدین، به مباحثی مانند بحوث فی الإمامة و العصمة (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴)، ادعاعات بعض الفرق من الشيعة و الرد علیها، (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲) بیان بعض الاعتراضات و الشبهات حول الغيبة (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۵) ترکیبی از نقل و عقل را در هم آمیخته و بدان شبهات پاسخ داده است. همچنین در برخی روایات مانند بحث روایات فترت به شرح و توجیه آن پرداخته است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۵۶) اما با آنکه وی هدف از تألیف را رفع حیرت مسئله

۱. شایان ذکر است برخی از مستشرقان با مفروض شمردن تدوین الکافی در بغداد بر این نکته تأکید کردند که الکافی متأثر از فضای عقل‌گرای معتزله بغداد نگاشته شده است؛ اما در یک پژوهش مستقل با ذکر شواهدی نشان داده شده‌است که الکافی نماد گفتمان حدیثی قم است (رک: حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱).

امامت می‌داند اما رویکرد حاکم بر اثر وی، نص‌گرایی است. رویه نص‌گرایی تا دوران پایانی مدرسه قم ادامه داشت تا آنکه در دوران بعدی شیخ مفید در بغداد با تدوین متون عقلی از جمله کتاب المسائل العشر فی الغیبه به ترویج رویکرد عقل‌گرایی پرداخت. با مقایسه این دو مدرسه می‌توان تمایزات نص‌گرایی و عقل‌گرایی را آشکارا ملاحظه کرد.

۳-۳. برخورد با محدثان ضعیف

در بین پژوهشگران معاصر مشهور است مدرسه حدیثی قم در برهه‌ای از تاریخ خود به مقابله با برخی از محدثان و راویان ضعیف برخاسته است. به‌عنوان نمونه محدثانی هم‌چون: احمد بن محمد بن خالد، سهل بن زیاد آدمی توسط احمد بن محمد بن عیسی زعیم مشهور قم به دلیل نقل از ضعفا اخراج گردیدند.^۱ یا محمد بن حسن بن ولید استاد شیخ صدوق، نیز برخوردی مشابه با راویان ضعیف داشته است. او افراد چندی از جمله راویان موجود در کتاب نوادر الحکمه را تضعیف و روایات این گروه را غیرمعتبر شمرده است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۸).

در باب روایات مهدویت چنین برخوردی با راویان ضعیف به طور کامل قابل دفاع نیست. گرچه رویکرد اکثر راویان نقل از ثقات بوده و اسناد موجود این گفته را تصدیق می‌کند. اما در کنار آن از افراد مجهول و توثیق نشده روایاتی نقل شده است.

به عنوان نمونه ابراهیم بن هاشم از افرادی مانند: اسماعیل بن مرار (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۲)، صالح بن سندی (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۴۲۸)، بسطام بن مره (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۱)، علی بن معبد (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۸)، عبدالله بن حماد (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴)، علی بن صدقه (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۰) و سلیمان دیلمی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۲) روایاتی نقل کرده است که آنان توثیق

۱. این نظریه درباره احمد بن محمد با آنکه مشهور است، اما می‌توان با قرائن و شواهد متعددی گفت وی درباره راویان اجتهاد می‌کرده و به تشخیص خود که برگرفته از علل و عوامل اجتماعی و سیاسی یا ویژگی‌های فردی وی بوده دست به اخراج راویان زده است (رک: تفصیل این ادعا را می‌توان در مقاله‌ای با عنوان: اخراج راویان از قم؛ اقدامی اجتماعی یا اعتقادی (طالقانی، ۱۳۹۱) مراجعه کرد.

ندارند و برخی مانند سلیمان دیلمی غالی و کذاب دانسته شده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۲). اما موضوعات طرح‌شده این راویان شامل مواردی است که توسط راویان ثقه هم نقل شده است مانند: کنیزبودن مادر حضرت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۲۲-۳۲۳، صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۶۹، ج ۲، ص ۳۷۱)، ترغیب به انتظار فرج (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۶۱)، اقتصاد عدالت‌محور (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸۳)، پاداش استقامت در عصر غیبت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۶۱) گسترش عدالت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۶۱).

همچنین، محمد بن خالد برقی و فرزندش احمد بن محمد به ترتیب از دو راوی ضعیف؛ علی بن حسان هاشمی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۲) و محمد بن علی ابوسمینه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۳) چندین روایت نقل کرده‌اند. روایت منقول از علی بن حسان به غیبت و غربت و تنهایی امام مهدی علیه السلام اشاره دارد که روایات دیگر آن را تأیید می‌کند. نقل از ابوسمینه هم در حیطه شناساندن تبار امام مهدی علیه السلام و نهی از عجله در تعیین زمان ظهور است که با سایر روایات مدرسه قم و غیر قم هماهنگ است.

در طبقه دوم قمی‌ها، محمد بن حسن بن صفار از افرادی مانند: حسن بن علی زیتونی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۶۲)، سلمه بن خطاب (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۸)، حسن بن احمد بن محمد بن سلمه (نمازی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۷۴) و محمد بن هارون، (ابن داوود، ۱۳۸۳، ص ۵۱۲) روایاتی چند نقل کرده است که هیچ کدام توثیق نشده‌اند.

سعد بن عبدالله، یکی دیگر از محدثان این دوران بخشی از توقیعات منقول خود را از افرادی مانند: ابوالقاسم بن ابی حلیس،^۱ هارون بن موسی،^۲ محمد بن محمد بصری، ابوعلی المتیلی، ابوجعفر مروزی، ابوالحسن جعفر بن احمد، حسین بن اسماعیل کندی، ابوالحسن همدانی نقل کرده است که اطلاعاتی درباره آنان وجود ندارد. ابن ولید با

۱. درباره وی اطلاعاتی وجود ندارد، تنها در قاموس الرجال با ذکر تشریف وی، محضر امام عصر و ذکر توقیعات او بسنده شده است. (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص ۴۶۸).

۲. در بین محدثان تنها هارون بن موسی تلکبری داریم که امکان نقل سعد بن عبدالله از وی وجود ندارد؛ زیرا او متوفی ۳۸۵ است و سعد بن عبدالله سال‌ها قبل از او در اواخر سده سوم می‌زیسته است.

آنکه در طریق توقیعات سعد بن عبدالله از علان کلینی قرار دارد احتمالاً به خاطر همین عدم شهرت این دست از راویان در اسناد این دسته از توقیعات قرار ندارد و تنها صدوقین گزارش‌گر آنها می‌باشند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۴۹۳-۴۹۴).

از این رو می‌توان گفت در مدرسه حدیثی قم، نقل از راویان مجهول و ضعیف شایع بوده است؛ اما اشتهار این مدرسه در برخورد با محدثان ضعیف را می‌توان تنها به دوران احمد بن محمد بن عیسی دانست که بخشی از محدثان مذکور، دوران این محدث را در کنگه نکرده‌اند. احتمالاً برای توجیه نقل از ضعیفان بتوان گفت تقسیم حدیث معتبر به قسم صحیح، موثق و حسن نزد قدما رایج نبوده و قدما به صحت هر حدیثی که به نحوی به آن وثوق و اطمینان می‌یافتند حکم کرده و به آن عمل می‌کردند. از جمله عواملی که در ایشان ایجاد اطمینان و به صحت حدیث می‌کرد وجود حدیث در اصول چهارصدگانه و یا اندراج آن در کتبی بود که بر ائمه معصومین علیهم‌السلام عرضه شده و مورد تأیید آن‌ها قرار گرفته و یا در کتبی که میان سلف مشهور بوده و به آن اعتماد می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۸)؛ بنابراین باید گفت اعتماد قمی‌ها بر این طیف روایات، براساس اطمینان آنان براساس وجود قرائن و شواهد شکل گرفته است و روایات مهدویت را می‌توان براساس همین معیار توجیه کرد. تنها برخی از روایات محمد بن حسن صفار و سعد بن عبدالله منفرد است که باید جداگانه بدان پرداخته شود.

۳-۴. عدم نقل روایات غلوآمیز

آنچه مدرسه حدیثی قم را شهره ساخته و آوازه آن را در آفاق پراکند، برخورد شدید و نسبتاً بدون مسامحه عالمان قم در برابر خطر غالیان و تفکر غالیانه بود (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۹). از منظر قمی‌ها هرگونه نسبت‌دادن صفات فوق بشری به ائمه غلو شمرده می‌شود (جباری، ۱۳۸۴، ص ۳۸۹). به نظر می‌رسد این تفکر در دوران احمد بن محمد بن عیسی، باعث گردید برخی از محدثان مشهور، به اتهام غلو از قم اخراج و امکان حضور در مجامع علمی و حدیثی را از دست بدهند. احمد بن محمد بن خالد برقی،

محمد بن اورمه قمی، سهل بن زیاد، حسین بن عبیدالله قمی، علی بن محمد بن شیرة قاشانی، قاسم بن حسن بن علی بن یقطین و احمد بن حسین بن سعید اهوازی از جمله افرادی هستند که به آنان اتهام غلوزد شد و برخی از آنان از شهر اخراج گردیدند (جباری، ۱۳۸۴، صص ۳۸۶-۳۹۴).

با بررسی ۳۵۸ مورد از روایات مدرسه قم حدود ۲۳ مورد معادل ۶٪ از مضامین آنان در ظاهر مستبعد بوده است اما نمی توان آنها را غلو دانست و حتی با توجه به رشد علوم می توان توجیه عقلانی برای برخی از آنها دست و پا کرد (رک: کامیاب، ۱۴۰۰، ص ۱۸۹). این روایات عمدتاً در بصائر الدرجات صفار، (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، صص ۲۴، ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۱۱، ۴۰۹، ۴۸۶، ۴۹۰ و ۵۱۰) کمال الدین صدوق (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۴۲۶، ۴۳۱، ۶۷۳ و ۶۷۱-۶۷۲) و اندکی در الکافی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۷ و ج ۸، ص ۲۹۴) و کامل الزیارات (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۲۰) دیده می شود.

در یک تقسیم بندی می توان آنان را به دو دسته تقسیم کرد؛ برخی از این روایات ارتباطی با مقام امامت ندارد؛ تنها به ویژگی دوران ظهور اشاره دارد. مانند: روایات قدرت منحصر به فرد یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در عصر ظهور. این اصحاب به اندازه چهل مرد توانا هستند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۷۳ و ج ۲، ص ۵۴۱) و چنان پاهای ستبر و قدرتمندی دارند که دشمنان با پاهای آنان لگد می شوند، (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴) آهن در آنها اثر نمی کند، دارای شمشیرهایی از آهن هستند و اگر مردی از ایشان شمشیر خود را به کوهی فرود آورد آن را دو نیم می کند (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۹۰)؛ همچنین یاران غیر بشری، مانند حضور چندین هزار ملائکه در عصر ظهور به ویژه جبرئیل و میکائیل در این روایات به چشم می آید (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۷۲). گرچه از لحاظ سندی غیرمعتبر هستند؛ اما بر فرض صحت صدور آنان، می توان معنای غیرظاهری آن را قصد کرد و ناقلان این نوع گزارشها درصدد ارائه تصویری خارق العاده و شگفت انگیز از دوران ظهور می باشند.

اما دسته دوم، مستقیم با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در ارتباط است؛ مانند داستان تولد

ایشان. در باب تولد امام مهدی در مدرسه حدیثی قم ۱۳ گزارش وجود دارد. این روایات همگی از دوران کلینی به بعد نقل گردیده است؛ کلینی در تلاش خود برای اثبات تولد، تنها به اصل تولد، بدون تفصیل خاص پرداخته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۳۱ و ۵۱۴). برخلاف آن، گزارش‌های شیخ صدوق با تفصیل بیشتر همراه با کرامات و امور خارق‌العاده‌ای نقل شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۴۲۶ و ۴۳۰). این دست روایات گرچه اسناد آن ضعیف هستند اما سنخ گزارش‌ها مانند تکلم امام مهدی علیه السلام بعد از تولد قابل دفاع بوده و نسبت به انبیای گذشته مانند حضرت عیسی واقع شده است (مریم، ۳۰). تنها نکته‌ای که باقی می‌ماند آنکه این سنخ گزارش‌ها را می‌توان در میراث غالیان جستجو کرد. حسین بن حمدان (م ۳۳۴) که از غالیان آن دوران به‌شمار می‌رود در الهدایه الکبری این دست روایات را نقل کرده است. وی در گزارشی به رشد غیر معمول امام اشاره دارد^۱ یا در روایت دیگری با سند شبیه صدوق از محمد بن یحیی به سخن گفتن امام در اوان تولد پرداخته است.^۲

اما برخی دیگر مرتبط با عصر ظهور است؛ مانند اعجاز مجدد میراث انبیای الهی همچون: عصا و سنگ موسی علیه السلام که اولی، ترساندن مردم (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۴) و دومی، ارتزاق یاران حضرت را به عهده دارد (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۸) ذخیره ابر تندرو

۱. عَنْ حَكِيمَةَ ابْنَةِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: ... فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا دَخَلْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ إِلَيْهِ التَّسْلِيمُ فَإِذَا بِمَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ الْقَائِمِ إِلَيْهِ التَّسْلِيمُ يَمْشِي فِي الدَّارِ فَلَمْ أَرَ أَحْسَنَ وَجْهًا مِنْ وَجْهِهِ وَلَا لَعْنَةً أَفْضَحَ مِنْ لَعْنَتِهِ فَقَالَ لِي أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام هَذَا الْمُؤَلُّودُ الْكَرِيمُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي لَهُ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَأَنَا أَرَى مِنْ أَفْرِهِ مَا أَرَى فَقَالَ: وَ تَبَسَّمَ يَا عَمَّةُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَا مَعَاشِرَ الْأَوْصِيَاءِ نَشَأُ فِي الْيَوْمِ مَا يَنْشَأُ غَيْرُنَا بِالْجُمُعَةِ وَ نَشَأُ فِي الْجُمُعَةِ مَا يَنْشَأُ غَيْرُنَا فِي السَّيِّئَةِ فَقُمْتُ إِلَيْهِ وَ قَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ انْصَرَفْتُ فَعَدْتُ تَفَقُّدَهُ فَلَمْ أَرَهُ فَقُلْتُ لِسَيِّدِي أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام مَا فَعَلَ مَوْلَانَا فَقَالَ: يَا عَمَّةُ اسْتَوْدَعَنَاهُ لِلَّذِي اسْتَوْدَعَ مُوسَى عليه السلام (خصیسی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷).

۲. حَدَّثَنِي نَسِيبٌ وَ مَارِيَةُ قَالَا: لَمَّا خَرَجَ صَاحِبُ الزَّمَانِ عليه السلام مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ سَقَطَ جَانِبًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَإِنَّمَا لِسَابِئَتَيْهِ نَمٌّ عَطَسَ وَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَبْدًا ذَا كِرَامٍ اللَّهُ غَيْرُ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ، ثُمَّ قَالَ: رَعِمَتِ الظُّلَمُ أَنْ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ لَوْ أُذِنَ لَنَا بِالْكَلامِ لَوَالِ الشُّكِّ (خصیسی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷).

صعاب - در آن رعد و برق است - (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۰۹) در دوران ظهور از دیگر موارد است. این روایات گرچه اسناد آن ضعیف یا متفرد هستند اما از امور غیر عقلانی نبوده و چون حالت اعجاز در آن نهفته است می توان با در نظر گرفتن ترسیم شگفتی های عصر ظهور، تحلیل کرد.

بنابراین با توجه به تعریف غلو نمی توان این سنخ گزارش ها را از نوع گزاره های غالبانه دانست؛ زیرا هیچ کدام از این روایات و گزارش ها نمی تواند غلو در ذات یا صفات باشد.^۱ بلکه در نگاه کلی تنها می توان ادعا کرد از امور خارق العاده هستند و برخی از آنها را می توان توجیه کرد.

۳-۵. توجه ویژه به نیازهای جامعه شیعی

یکی از شاخصه های اصلی قمی ها نقل تمامی مباحث مهدویت است. با این وصف آنان در این بین بر روی مسائل مهم و اساسی مهدویت که دارای جنبه های کلامی و اعتقادی است پای فشاری کرده اند. این اصرار می تواند برگرفته از حساسیت این موضوع در آن مقطع مهم تاریخی تلقی گردد؛ زیرا جامعه شیعی در دورانی که امام در غیبت به سر می برد و ارتباط ظاهری با امام رو به کاهش است در تحیر به سر می برند، به گونه ای که معتقدان به امامت در اصل امامت و تشخیص امام به شک افتادند.

در این دوره محدثان به ویژه کلینی، با تنظیم احادیثی از قمی ها و اختصاص ابواب ویژه به آموزه مهدویت به صورت جامع در جهت مصونیت زایی جامعه اقدام کردند

۱. معمولاً غلو را در یک تقسیم بندی به دو دسته تقسیم می کنند: الف غلو در ذات، منظور از غلو در ذات آن است که شخص یا گروه غالی، قائل به نبوت ائمه معصومین علیهم السلام الوهیت معصومین علیهم السلام یا حلول و یا تناسخ و یا تفویض باشد؛ به عبارت بهتر، ذات معصومین را از مرتبه خود بالاتر بزد. ب غلو در صفات. منظور از «غلو در صفات» که می توانیم آن را با جعل اصطلاح «غلو در فضایل» نیز معرفی نماییم آن است که صفات و فضایل و معجزاتی را به معصومین علیهم السلام نسبت دهیم که دارای آن نبوده اند.

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۲۸ - ۳۷۰).

بازگو کردن روایات اثنا عشر مانند حدیث لوح، حدیث خضر و روایات دیگر با طرق و ادبیات مختلف و قراردادن امام مهدی علیه السلام در شمار آخرین حجت‌الاهی از اساسی‌ترین مسئله آن دوران محسوب می‌شود. اهمیت مسئله اثنا عشر در کنار گروه‌های درون شیعی که برخی از آنان مانند زیدیه در ایران فعالیت داشته و یا همجواری گروه‌های مخالف در ری به تثبیت امامت دوازده گانه و جلوگیری از تشتت آرا کمک شایانی می‌کرد. در ادامه روند تثبیت ائمه دوازده گانه، به توصیف ویژگی‌های شخصی امام دوازدهم مانند: تبار، نام، القاب و کنیه پرداخته شد (رک: کامیاب، ۱۴۰۰، ص ۲۹).

نقل روایات تولد و کسانی که امام را ملاقات کرده‌اند در راستای اثبات حیات امام شکل گرفت (رک: کامیاب: ۱۴۰۰، ص ۳۴). حتی به نظر می‌رسد نقل توقیعات بدون در نظر گرفتن محتوای آن، به‌ویژه توسط سعد بن عبدالله در همین رویکرد قابل توجیه و تفسیر است. چراکه یکی از کارکردهای اصلی این توقیعات که در دوران غیبت صغرا صادر گردیده است اثبات وجود امام مهدی علیه السلام و شئون مرتبط امامت است (رک: کامیاب، ۱۴۰۰، ص ۴۶).

با طولانی شدن دوران غیبت و عدم تعیین زمان ظهور، نقل بخش دیگری از روایات ضرورت پیدا کرد. باز کلینی با ترتیب ابواب غیبت و نهی از تعیین زمان ظهور به شیعیان این نکته را گوشزد کردند که عدم حضور ظاهری امام به درازا خواهد کشید و کسانی که زمانی را برای ظهور حضرت تعیین کنند باید تکذیب کرد. همزمان با عدم ظهور قریب‌الوقوع شیعیان به انتظار و استقامت در برابر فتنه‌ها تشویق گردیدند تا جامعه شیعی در حوادث دوران در امان ماند (رک: کامیاب، ۱۴۰۰، صص ۴۸ - ۵۰).

در کنار نهی از تعیین وقت ظهور و ترغیب به انتظار، قاطبه قمی‌ها با حتمی دانستن ظهور و حضور امام در کارزار با مخالفین و خوانخواهی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه

امام حسین علیه السلام که با گسترش عدالت در جامعه روبرو خواهد بود از دوران طلایی ظهور پرده برداشتند. نقل این گونه روایات در دورانی که مردمان آن همواره مورد تهدید عباسیان و حکومت‌های محلی قرار داشتند، می‌توانست مرهمی بر گروه اقلیت شیعه به شمار آید.

البته این نیازسنجی مرسوم به مدرسه قم نبوده بلکه در دوران بعدی با طولانی شدن دوران غیبت آموزه‌هایی مانند طول عمر حضرت، و کیلان و نایبان حضرت و جایگاه آنان، مورد توجه محدثانی مانند: شیخ صدوق و شیخ طوسی قرار گرفت.

۳-۶. پرهیز از روایات شاذ

در مدرسه قم روایات شاذ و منفرد کمتر دیده می‌شود و بیشتر روایات قمی‌ها، روایات مشهور مهدوی است. موید این گفتار در دو دلیل قابل بیان است. اول آنکه با مقایسه روایات قم با سایر مدارس حدیثی بدین نکته رهنمون شده که مدارس دیگر همین روایات را با اسنادی دیگر نقل کرده اند (رک: پیوست ۱).

دوم، در مدارس دیگر به ویژه حوزه‌های حدیثی که از پایگاه‌های اصلی علمی شیعه مانند قم و بغداد دورتر بوده‌اند روایاتی نقل شده است که در قم و سایر مدارس حدیثی از آن چنان شهرتی برخوردار نبوده است. به‌عنوان نمونه به موضوع دین در عصر ظهور می‌توان اشاره کرد. نعمانی که اثر حدیثی خود را در منطقه شام سامان داده است با ترتیب بابی مستقل به روایات امر جدید و کتاب جدید در عصر ظهور اشاره دارد (نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۱). یا نقل فراوان روایات نشانه‌های ظهور در این اثر با تفصیلات گسترده و متناسب با منطقه شام به تصویر کشیده شده است.

بر همین اساس می‌توان به این نکته دست یافت که قمی‌ها در نقل روایات تکیه بر مشهورات داشته و از نقل روایات شاذ و مستبعد (به غیر از مواردی که در بحث غلو گذشت) دوری جستند.

پیوست (۱)

نمونه‌هایی از روایات مشهور قمی‌ها و غیرقمی‌ها در موضوعات مختلف مهدوی

ردیف	موضوع	قم	بغداد	شام	آسیای میانه
۱	احادیث اثنا عشر	قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، صص ۴۵، ۳۶؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۹	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۱۴۲، ۱۴۷- ۱۴۹.	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۵۷- ۱۰۲	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴
۲	تبار امام	حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۱	مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۷۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۱۸۵ و ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰ و ۱۹۱.	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۱۸۰ و ۱۴۷	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۱۶، ج ۲، ص ۳۵۰.
۳	تولد امام	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۱	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۳۰، ۲۴۵ و ۲۴۶	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۰، ح ۱ و ۱۳.
۴	نهی از تسمیه	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۳	مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۴۹	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۸۸	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۲.
۵	غیبت امام	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۶	طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴۰	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۳۱۶، ۳۳۰، ج ۲، ص ۴۷۰

۱. صدوق گرچه قمی است، اما روایات وی که در جدول آمده است از میراث آسیای میانه است.

ردیف	موضوع	قم	بغداد	شام	آسیای میانه
۶	رویت امام	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۲	مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، صص ۳۵۱- ۳۵۴ طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۵۳-۲۸۰	-	۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۰ ح ۱۱ و ۱۳
۷	توقعات	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۷	مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، صص ۳۵۶- ۳۶۷ طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۸ و ۳۲۱	-	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶
۸	انتظار	برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۴		نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۰، ح ۱۵	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۳۵۷ ۶۴۴
۹	تکذیب وقت	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶۸	طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۲۵ و ۴۲۶	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷، ح ۳ و ص ۱۹۸، ح ۸ و ۱۰	
۱۰	نهی قیام	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶۴	-	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴	-

ردیف	موضوع	قم	بغداد	شام	آسیای میانه
۱۱	نشانه‌ها	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۷، ج ۸؛ صص ۱۶۶، ۲۰۹.	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۴۳۵، ۴۳۶ دورروایت، صص ۴۳۷، ۴۴۶، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۶۱، ۴۶۲ و ۴۶۳.	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۲۵۲، ۲۵۳؛ ص ۲۵۵، ح ۱۳؛ و..	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۶۴ ۲۴۴...
۱۲	ظهور	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۸۱	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۱۷۸، ۱۷۹ و ۱۸۰	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۸۶ ح ۱۷.	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۴.
۱۳	یاران	تفسیر قمی (قمی)، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۰۴.	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۴۷۲، ۴۷۶ و ۴۷۷.	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۳۱۲، ۳۱۶ ح ۱ تا ۱۳ و نعمانی، ص ۱۹۶، ح ۴	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۶۴، ۶۷، ج ۲، صص ۳۲، ۱۴۰، ۱۵۶ و ۲۶۱.
۱۴	حاکمیت اسلام	صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲.	طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۷.	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۰.	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۳ و رک: ج ۲، صص ۵۶ و ۸۷.
۱۵	گسترش عدالت	برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۱.	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۱۶۴، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۷ و...	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۸۱، ۸۶، ۹۲ و ۲۳۷.	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۳۳ ۲۸۷.

ردیف	موضوع	قم	بغداد	شام	آسیای میانه
۱۶	سیره فقهی امام	صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۳.	طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۷۲.	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۸، ح ۴ و ۵ و ۶.	-
۱۸	سیره اقتصادی	حمیری، ۱۴۱۳، ص ۸۰.	-	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰، ح ۸.	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۵.
۱۹	سیره قضایی	صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵۹، ح ۵.	طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۷۴.	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۳، ح ۵.	-
۲۰	سیره مبارزاتی	صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۴.	-	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۶، ح ۱۱.	-

نتیجه‌گیری

مدرسه حدیثی قم به‌عنوان یکی از پرآوازه‌ترین مدارس مکتب امامیه، از دوران حضور ائمه تا ابتدای دوران غیبت کبرا در عرصه جمع‌آوری میراث حدیثی شیعه نقش فعال ایفا کرد. تلاش محدثان آن دوره که بیشترین میراث خود را از مدرسه رو به افول کوفه در میانه قرن سوم گرفته بودند باعث گردید روایات اهل بیت به شکل مکتوب جمع‌آوری گردد. در بین این میراث، روایات مهدویت در کنار سایر روایات توسط قمی‌ها ثبت گردید و بین آنان تبدیل به یک گفتمان گردید. براساس بررسی‌هایی که درباره این موضوع به فرجام رسید ۳۵۸ حدیث مهدوی بر طبق معیار منابع مکتوب اصیل و واسطه‌ای بدست آمد.

هجرت گروهی از محدثان غیرقمی به قم و عزیمت برخی قمی‌ها به مناطق دیگر و اجتماع همگی در مرکز حدیثی قم در حفظ میراث اهل بیت، نقش بسزایی ایفا کرد؛ حاصل این تلاش‌ها در مجموعه نگاری‌ها مانند المحاسن برقی و الکافی کلینی و آثار صدوق نمایان گردید. اعتماد به متون نقلی و دوری از عقل‌گرایی از دیگر ویژگی‌های این مدرسه است به گونه‌ای که برخی از عقل‌گراها مورد مذمت این مدرسه قرار گرفتند.

در برهه‌ای از زمان محدثانی مانند برقی و سهل بن زیاد به اتهام نقل از ضعیفان مورد بی‌مهری قرار گرفته و از قم اخراج شدند. برخورد شدید و بدون مسامحه با مسئله غلو و نقل اخبار پذیرفته شده از دیگر امتیازات این مدرسه بوده است.

تعصب بر نیازهای جامعه شیعی و نقل مسائل کلان نهاد امامت و مهدویت مانند احادیث اثنا عشر؛ غیبت، انتظار، و ایجاد گفتمان مهدوی در آن دیار یکی دیگر از ویژگی‌هایی مدرسه حدیثی قم است و درنهایت نقل روایت مشهور و دوری جستن از شدوژات تا حد ممکن در این حوزه حدیثی به‌عنوان آخرین شاخصه قابل دفاع و پذیرش است.

فهرست منابع

۱. ابن داود، حلی. (۱۳۸۳). رجال ابن داود. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). کامل الزیارات، (محقق: عبدالحسین امینی، چاپ اول). نجف اشرف: دارالمرتضویه.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۴۲). رجال البرقی - الطبقات (محققان و مصححان: طوسی، محمد بن الحسن و حسن مصطفوی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). المحاسن، (محقق: محدث، جلال‌الدین، چاپ دوم)، قم: دارالکتب الإسلامية.
۵. جباری، محمدرضا. (۱۳۸۴). مکتب حدیثی قم. قم: انتشارات زائر.
۶. حمادی، عبدالرضا؛ طباطبایی، سیدمحمد کاظم. (۱۳۹۱). الکافی و گفتمان حدیثی قم. مجله علوم حدیث، شماره ۶۶، صص ۹۸-۱۱۳.
۷. حمیری، عبد الله بن جعفری. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد (مصصح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۸. خصیبی، حسین بن حمدان. (۱۳۷۷). الهدایة الكبرى، (چاپ اول). بیروت: مؤسسة البلاغ.
۹. سبحانی، محمدتقی و همکاران. (۱۳۹۵). مدرسه کلامی قم (چاپ اول). قم: موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث.
۱۰. سبحانی، محمدتقی. (۱۳۹۱). کلام امامیه ریشه‌ها و رویش‌ها. مجله نقدونظر، ۱۷(۶۵)، صص ۳۷-۵.
۱۱. شوشتری، محمدتقی. (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال (محقق: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ دوم). قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۲. صدوق، محمد. (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام النعمة (محقق: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامیة.

۱۳. صفار، محمدبن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات (ج ۱ و ۲، محقق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، چاپ دوم). قم: مکتبه آیت الله مرعشی رحمته.
۱۴. ضیائی فر، سعید. (۱۳۸۵). پیش درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. طالقانی، سیدحسن. (۱۳۹۱). اخراج راویان از قم؛ اقدامی اعتقادی یا اجتماعی. فصلنامه علمی- پژوهشی نقدونظر، (۶۷) صص ۹۲-۱۰۵.
۱۶. طباطبائی، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۹). تاریخ حدیث شیعه. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۸۱). رجال. نجف: انتشارات حیدریه.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغیبة (محققان: عبادالله، تهرانو علی احمد ناصح، چاپ اول). قم: دارالمعارف الإسلامية.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی (ج ۱، محقق و مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی). تهران: المطبعة العلمية.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). مصباح المنیر (ج ۲). قم: دارالهجره.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی (ج ۲، مصحح: طیب موسوی جزائری). قم: دارالکتب.
۲۲. کامیاب و طباطبائی. (۱۴۰۱ق). تحلیل محتوایی راویان روایات مدرسه حدیثی قم تا قبل از دوران صدوق، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، (۶۳) صص ۵۹-۸۸.
۲۳. کامیاب، مسلم. (۱۴۰۰). رساله احادیث مهدوی مدرسه حدیثی قم قبل از روزگار صدوق (آموزه، شاخصه‌ها، سبک و تحلیل محتوا). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱، ۲ و ۸، مصححان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: اسلامیة.
۲۵. کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). رجال الکشی (محققان و مصححان: طوسی، محمد بن الحسن و مصطفوی، حسن). قم: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

۲۶. مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضه المتقین (مصححان: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، چاپ دوم). قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۲۷. معین، محمد. (بی تا). فرهنگ نامه معین. واژه شاخص.
۲۸. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (ج ۲، محقق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول). قم: کنگره شیخ مفید.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). رجال. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۹ق). الغیبة (محقق: علی اکبر غفاری). تهران: مکتبه الصدوق.
۳۱. نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۴ق). مستدرکات علم رجال (چاپ اول). تهران: فرزندان مؤلف.
۳۲. واسطی بغدادی، احمد بن حسین. (۱۳۶۴). الرجال (لابن الغضائری) (محقق: محمدرضا حسینی، چاپ اول). قم: دار الحدیث.

References

1. Ayashi, M. (1380 AP). *Tafsir Al-Ayyashi* (Vol. 1, S. H, Rasouli Mahalati, Ed.). Tehran: Al-Matba'ah al-Ilmiya. [In Persian]
2. Barqi, A. (1342 AP). *Rijal al-Barqi - al-Tabataq* (M, Tusi, Ed.). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
3. Barqi, A. (1371 AP). *Al-Mahasen*, (J, Mohades, Ed., 2nd ed.), Qom: Dar al-Kitab al-Islamiyya. [In Persian]
4. Fayoumi, A. (1414 AH). *Misbah Al-Munir* (Vol. 2). Qom: Dar al-Hijrah. [In Arabic]
5. Hamiri, A\ (1413 AH). *Qurb al-Asnad* (Alulbayt Foundation, Ed., 1st ed.). Qom: Alulbayt Foundation. [In Arabic]
6. Hemadi, A., & Tabatabaei, S. M. K. (1391 AP). Al-Kafi and the hadith discourse of Qom. *Journal of Hadith Sciences*, 66, pp. 98-113. [In Persian]
7. Ibn Dawud, Heli. (1383 AP). *Rijal Ibn Dawood* Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
8. Ibn Qulawayh, J. (1356 AP). *Kamel al-Ziyarat*, (A. H. Amini, Ed., 1st ed.). Najaf: Dar al-Mortazavi. [In Persian]
9. Jabari, M. R. (1384 AP). *Hadith school of Qom*. Qom: Za'ir Publications. [In Persian]
10. Kamyab & Tabatabaei. (1401 AH). Content analysis of the narrators of the narrations of the hadith school of Qom until the time of Sadouq, *Mashreq Mououd*, (63) pp. 59-88. [In Persian]
11. Kamyab, M. (1400 AP). *The treatise on Mahdavi Hadiths of Qom Hadith School before the time of Sadouq (doctrine, characteristics, style and content analysis)*. Qom: Management Center of Qom Seminary. [In Persian]
12. Kashi, M. (1409 AH). *Rijal al-Kashi* (M, Tusi., & H. Mostafavi, H, Ed.). Qom: Publishing Institute of Mashhad University. [In Arabic]
13. Khasibi, H. (1377 AP). *Al-Hidaya Al-Kubra*, (1st ed.). Beirut: Al-Balagh Institute. [In Persian]

14. Koleyni, M\ (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 1, 2 & 8, A. A, Ghafari & M, Akhundi, Ed.). Tehran: Islamiya. [In Arabic]
15. Majlesi, M. T. (1406 AH). *Rozah al-Mutaqeen* (H, Mousavi Kermani., & A. P, Eshtehardi, Ed., 2nd ed.). Qom: Kushanbur Islamic Cultural Institute. [In Arabic]
16. Moein, M. (n.d.). *Moein Dictionary*. The word “Shakhes”.
17. Mufid, M. (1413 AH). *Al-Irshad fi Marafah Hujaj Allah Ala Al-Ebad* (Vol. 2, Alulbayt Institute, Ed., 1st ed.). Qom: Sheikh Mofid Congress. [In Arabic]
18. Najashi, A. (1407 AH). *Rijal*. Qom: The Teachers Community Publications. [In Arabic]
19. Namazi Shahroudi, A. (1414 AH). *Mustadrakat Ilm Rijal* (1st ed.). Tehran: Farzand Mu'alif. [In Arabic]
20. Nomani, M. (1379 AH). *Al-Ghaibah* (A. A. Ghafari, Ed.). Tehran: Al Sadouq School. [In Arabic]
21. Qomi, A. (1404 AH). *Tafsir Qomi* (Vol. 2, T, Mousavi Jazayeri, Ed.), Qom: Darul Kutub. [In Arabic]
22. Sadouq, M. (1395 AP). *Kamal al-Din Va Tamam al-Na'amah* (A. A, Ghafari, Ed., 2nd ed.). Tehran: Islamic Publications. [In Persian]
23. Safar, M. (1404 AH). *Basair al-Darajat* (Vol. 1 & 2, M. A, Kuche Baghi, Ed., 2nd ed.). Qom: Ayatollah Marashi School. [In Arabic]
24. Shushtri, M. T. (1410 AH). *Qamous al-Rijal* (Islamic Publications Institute affiliated to Jama'ah al-Mudarasin, 2nd ed.). Qom: Jamaat al-Mudarasin fi Al-Hawza Al-Elmiya, Islamic Publications Office. [In Arabic]
25. Sobhani, M. T. (1391 AP). The Imamiyyah Theology, Roots and Growth. *Naqd va Nazar, 17(65)*, pp. 37-5. [In Persian]
26. Sobhani, M. T. et al. (1395 AP). *Theological school of Qom* (1st ed.). Qom: Dar al-Hadith Scientific-Cultural Institute. [In Persian]
27. Tabatabaei, S. M. K. (1389 AP). *History of Shia Hadith*. Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. [In Persian]

28. Taleghani, S. H. (1391 AP). expulsion of narrators from Qom; A religious or social act. *Naqd va Nazar*, (67) pp. 105-92. [In Persian]
29. Tousi, M. (1T411 AH). *Al-Ghaiba* (Tehrani, E., & A. A, Naseh, Ed., 1st ed.). Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiya. [In Arabic]
30. Tusi, M. (1381 AP). *Rijal*. Najaf: Heydariya Publications. [In Persian]
31. Waseti Baghdadi, A. (1364 AP). *Al-Rijal (Laban al-Ghazaeri)* (M. R, Hosseini, Ed., 1st ed.). Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
32. Ziaifar, S. (1385 AP). *An introduction to schools of jurisprudence*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]